



مسیحیان ایران تاریخ مفصلی دارند که در يك مقاله نمی توان از عهد آن بر آمد. هیئت تحریریه مجله نورعالم که در طهران چاپ میشود و کلیسای انجیلی طهران آنرا اداره می کند چند سال پیش از من خواست يك سلسله مقالاتی در تاریخ مسیحیت در ایران بنویسم. مدتی پیش در پی این مقالات در آن مجله چاپ شد و بواسطه سفرهای بی درپی که بخارج از ایران کردم متأسفانه ناتمام ماند و امیدوارم بزودی آن مقالات را دنبال بکنم و بی پایان برسانم و فرار هست همین که آن مقالات بی پایان رسید آنها را با تجدید نظری در کتاب جداگانه ای که مفصل خواهد شد انتشار بدهند.

چون این موضوع بسیار مفصل است در اینجا تنها بدکرتاریخچه ای از قدیم ترین زمانها می پردازم:

مسیحیت در آغاز دوره ساسانی از راه سوریه وارد خاک ایران شده است. در آن زمان تقریباً همه مردم ایالات غربی ایران آن روز که سرزمین عراق و بین النهرین و جزیره و خوزستان و قسمتی از کردستان غربی باشد از نژاد آرامی یکی از اقوام سامی بودند و زبانشان زبان آرامی بود که بازبانهای عبری و سریانی و عربی خویشاوندی نزدیک دارد و خط آرامی نیز از دوره هخامنشیان قرنهای ایران معمول بوده است. بیشتر مسیحیان ایران ازین طوایف آرامی بوده اند و مهم ترین مراکز دینی مسیحیان در خوزستان بوده چنانکه شهرهای مهم خوزستان که در آنجا کلیسایهایی دایر کرده بودند بجز نامهای ایرانی نامهایی بزبان سریانی هم داشته اند زیرا که زبان مذهبی نصاری ایران زبان سریانی بوده است.

در آغاز مسیحیان ایران پیرو طریقه ارتودوکس بوده اند و سپس پیرو طریقه نستوری شده اند. نستوریان پیروان طریقه مخصوصی هستند که Nostorius نستوریوس

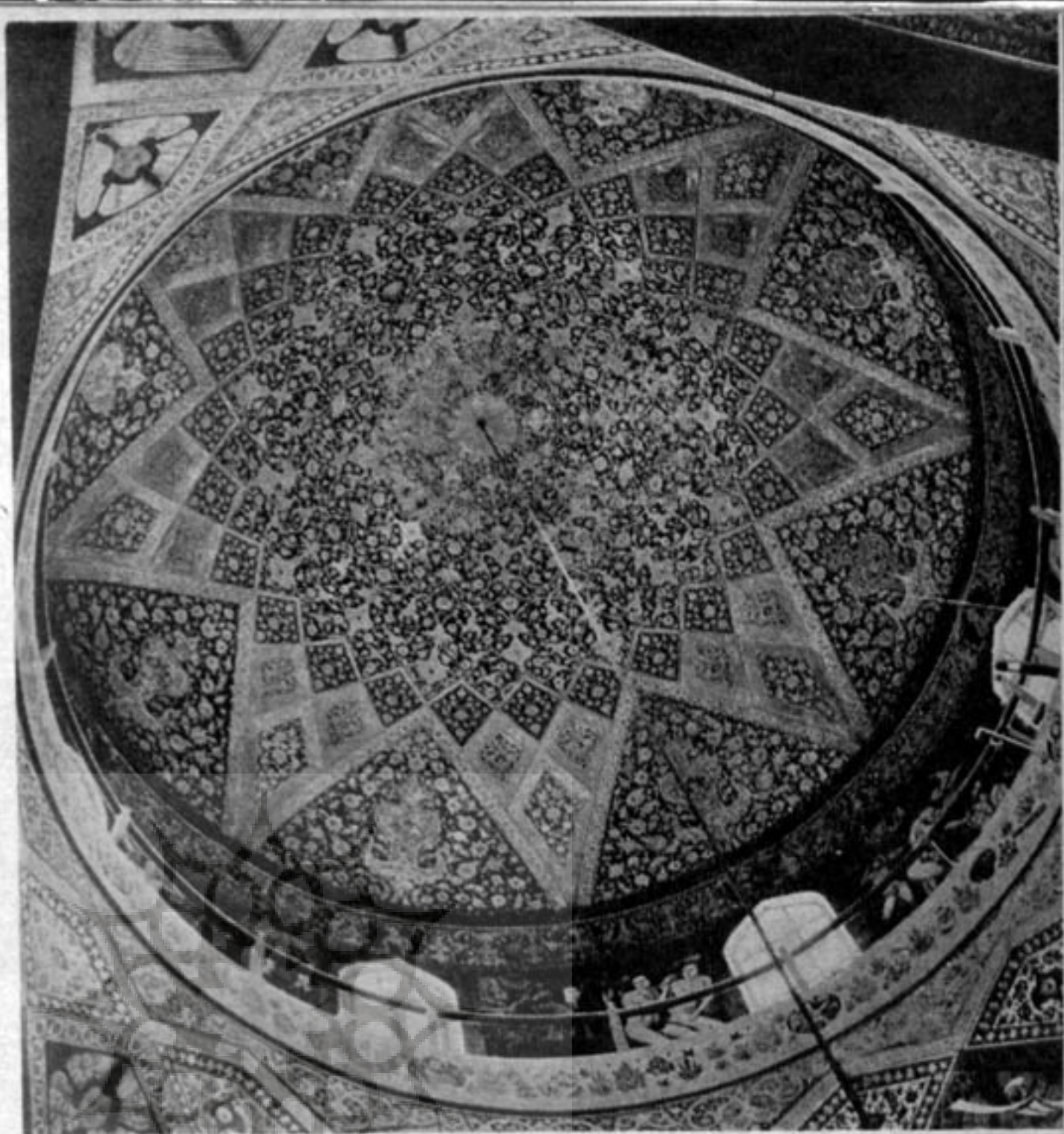
از پیشوایان نصاری بنیاد آنرا گذاشته است و قائل بدو طبیعت برای مسیح هستند برخلاف نصاری مغرب که تنها قائل بیک طبیعت هستند.

نستوریوس از مردم شهر ژرمانی سی Germanii cie درسوریه بوده در حدود سال ۳۸۰ میلادی ولادت یافته در ۴۲۸ بطریق شهر قسطنطنیه شدم و در ۴۳۱ او را ازین سمت عزل کرده اند و با فریقارفته در بیابانهای لیبی در حدود سال ۴۴۰ میلادی در گذشته است. پیدا است که طریقه نستوری در زمان حیات نستوریوس و در میان سالهای ۴۲۸ و ۴۳۱ که وی بطریق قسطنطنیه بوده در قلمرو ساسانیان رواج یافته است.

مآتهای مدید شاهنشاهان ساسانی بامسیحیان ایران خوش رفتاری میکردند چنانکه اوزببوس مورخ معروف سریانی نامه ای از قسطنطنیه (کستانتین) امپراتور

ورق بزنید





کلیسای ارامنه در چلفا از جمله عبادتگاههای نصاری ایران است. این عکس سفلی کلیسارا نشان میدهد

درین میان در سال ۴۵۷ رومیان کالیسیای معروف شهر ادسی یارهارا بستند و پیشوایان نستوریان را از آنجا تبعید کردند و ایشان بایران پناه آوردند و توانستند مراکز مهمی برای انتشار عقاید خود در ایران دایر کنند. در سال ۵۵۱ انوشیروان پسر خسرو نوشین روان که مادرش مسیحی بود بر پدر خود شورید و مسیحیان ایران توانستند بنصیحت و موعظه او آرام کنند و مانع از قیام او در برابر پدر بشوند.

سرانجام در ۵۶۷ خسرو نوشین روان با ژوستینیان امپراتور روم عهدنامه‌ای بست و در یکی از مواد این عهدنامه مخصوصاً قید کردند که مسیحیان ایران آزادی داشته باشند بشرط آنکه از هر گونه تبلیغ در میان کسانی که عیسوی نیستند خودداری کنند.

درین دوره که نستوریان از قلمرو رومیان بایران پناه آورده‌اند در دانشگاه معروف کندی شاپور که نخستین دانشگاه جهان بوده است و مسلمانان تاسیس کرده بودند بتدریس علوم یونانی و مخصوصاً طب پرداختند و این دانشگاه که در سراسر آسیا و دنیای متعده آن روز معروف بوده است تا اوایل دوره اسلامی شهرت و رواج کامل داشته و بسیاری از پزشکان صدر اسلام که مسیحی بوده‌اند در آنجا تحصیل کرده‌اند. درین دوره نصاری ایران حتی بترجمه کتابهای علمی از زبان یونانی بسریانی اقدام کرده‌اند چنانکه پولوی نام که با یولوس ایرانی میگفتند کتاب منطبق ارسطو را بنام خسرو نوشین روان از یونانی بسریانی ترجمه کرده‌است.

هرمزدچهارم پسر خسرو نوشین روان نیز با مسیحیان بسیار خوش رفتاری کرده‌است و در کتابهای نصاری آن زمان همیشه بخوبی از او یاد کرده‌اند. پسروی خسرو دوم پرویز نیز مانند پدر بوده است. خسرو پرویز چندین داشت از آن جمله شیرین معروف که از نصاری خوزستان بود و ماریا از خاندان موریس امپراتور روم که او نیز مسیحی بود. بهمین جهت خسرو نصاری ایران آزادی کامل داده بود و درین دوره مسیحیان در منتهای آرامش زندگی کرده‌اند.

شیرین ملکه ایران و معشوقه خسرو سومعه‌ای بسیار زیبا و بزرگی برای مسیحیان ساخته بود و یزدین نام که او نیز مسیحی و از مردان بسیار متمول و بسیار مقتدر در دستگاه مالیه ایران بود و پشتیبانی او از مسیحیان بسیار اهمیت داشت نه تنها بر شکوه و زیبایی سومعه‌ای که شیرین ساخته بود افزود بلکه چندین کلیسیا و صومعه در نواحی دیگر ایران ساخت و املاک بسیاری بر آنها وقف کرد.

درین دوره هنگامی که ایرانیان شهر اورشلیم را گرفته بودند صلیب مسیح را از بیت المقدس بایران آوردند و این واقعه در تاریخ مسیحیت در ایران اهمیت فوق العاده دارد.

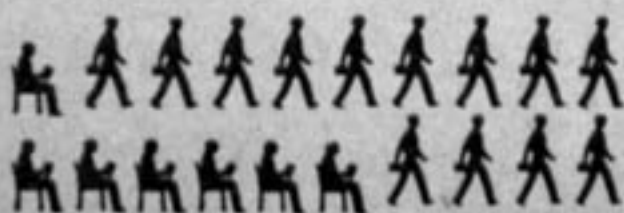
صلیب مسیح مدتها در ایران ماند تا آنکه در زمان پوران دخت خواست دولت روم آنرا باورشلیم برگرداندند.

روم را در کتاب خود نقل کرده‌است و درین نامه امپراتور روم از شاپور اول ساسانی بجهت مهربانی که وی بامسیحیان ایران داشته شپاس گزارا کرده است.

در زمان شاپور دوم که میخواست پنج ایالتی را که پیش از آن دولت ایران بکالریوس Galérius امپراتور روم واگذار کرده بود پس بگیرد با او یک جنگ در میان ایران و روم در گرفت. چون مسیحیان ایران در جنگها شرکت نمی‌کردند و بهمین جهت ایشان را بهمدرستی با رومیان که دین مسیح را پذیرفته بودند متهم می‌کردند در صدد برآمدند مخارج جنگ را از نصاری ایران بگیرند و چون ایشان مقاومت کردند و از ادای این خراج سرباز زدند بنای بد رفتاری را با ایشان گذاشتند و این دوره مدت چهل سال از ۳۳۹ تا ۳۷۹ یعنی تاروژی که شاپور دوم زنده بود طول کشید.

چند سال پس از آن که یزدگرد اول بیادشاهی رسید نخست بامسیحیان سازگار بود چنانکه در کتابهای عیسویان آن زمان از نیک نفسی و سازگاری و جوانمردی یزدگرد اول بسیار یاد کرده‌اند اما در پایان زندگی سرانجام از مسیحیان برگشت و او کرد در پاییز سال ۴۲۰ نمرده بود فرمانی برای آزار ایشان صادر میکرد.

پس از مرگ یزدگرد دوره‌ای که در ایران بانصاری بد رفتاری می‌کردند تقریباً پایان رسید و در ادوار بعد فقط گاهگاهی دشواری در زندگی مسیحیان ایران پیش آمده و آنهم چندین پایدار نبوده‌است چنانکه در میان سالهای ۵۴۲ و ۵۴۵ در سلطنت خسرو اول نوشین روان سه‌ساله نصاری ایران گرفتار دشواریهایی شده‌اند.

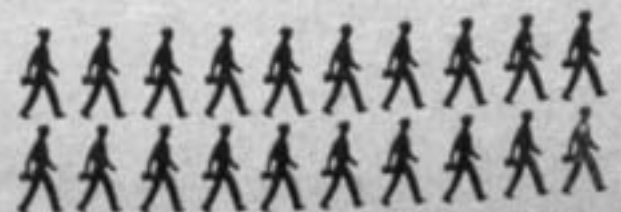


دردوره اسلامی همواره مسیحیان که از زمان ساسانیان در ایران مستقر شده بودند همان آزادی را داشته‌اند. در پایان دوره ساسانی گذشته از مرکز مذهبی که در تیسفون پایتخت معروف ساسانیان داشته‌اند در سال ۴۱۰ میلادی پنج مرکز بزرگ دیگر در شهرهای کنار رود دجله داشته‌اند و بجز آن مراکزی در شهر مرو در خراسان و در سرزمین فارس و سواحل خلیج فارس دایر کرده بودند و در ضمن از ایران به هندوستان رفته‌اند و در جنوب هند طریقۀ نستوری را انتشار داده‌اند.

چنانکه اشاره کردیم در صدر اسلام دانشمندان مسیحی ایران که در دانشگاه کندی شاپور علوم مختلف را کسب کرده بودند حتی در بغداد پایتخت خلفای عباسی بوده‌اند و مخصوصاً در زمانی که مسامون خلیفۀ معروف عباسی خواست علوم قدیم را بزبان تازی ترجمه کند دانشمندان مسیحی ایران در ترجمه مهم‌ترین کتابهای طب و ریاضیات و هیئت و نجوم و حکمت از یونانی و سریانی بزبان تازی باری بسیار مؤثری کرده‌اند. تاریخ مسیحیت در ایران در دوره اسلامی نیز ادامه یافته است.

دارد و نمی‌توان باختصار در آن بحث کرد. مهم‌ترین نکته اینست که در جنگهای صلیبی ایرانیان هرگز شرکت نکردند. اما تا دستگام خلافت بغداد دایر بود راه ایران قهراً بسوی کشورهای مغرب بسته بود. پس از تصرف بغداد بدست هولاکوو برافتادن دستگام خلافت نخستین کشوری که درهای آن بپروی مسیحیان اروپا باز شد ایران بود و نه تنها مبلغان عیسوی بی‌دریغ بایران آمدند و آزادانه بکار مشغول شدند بلکه عدۀ کثیر از ایشان که عازم هندوستان و چین و تبت بودند راه ایران را که امن‌تر و آزادتر بود اختیار می‌کردند. درین دوره مخصوصاً در ارمنستان و گرجستان که از ایالات ایران بوده‌اند عیسویان همواره آزادی کامل داشته‌اند. دردوره صفویه و مخصوصاً در زمان شاه عباس اول این روابط توسعه کامل یافت و شاه عباس روابط دائمی بادربار واتیکان و پاپها برقرار کرد و نامه‌های متعدد در میان وی و پاپها رد و بدل شده است.

در نتیجه این روابط دائمی مبلغان کاتولیک از فرق مختلف بایران آمده و در بسیاری از شهرهای ایران مخصوصاً قزوین و تبریز و همدان و شیراز مراکزی دایر کرده‌اند. مهم‌ترین مرکز تبلیغات ایشان



گوشه دیگری از کلیسای جلفا

اصفهان پایتخت آن روز ایران بوده است و درین شهر کلیسیاهای متعدد بوسیله فرقهای مختلف کاتولیک دایر شده و حتی قبرستان بزرگی مخصوص عیسویان در اصفهان ترتیب داده‌اند که هنوز باقیست. شاه عباس خود مکرر در مراسم دینی مسیحیان کاتولیک در کلیسیاهای اصفهان حاضر شده و با برخی از مبلغان که نمایندگان پاپ بوده‌اند معاشرت شخصی داشته است. در نیک اول قرن گذشته که روابط ایران با کشورهای مغرب زمین روز افزون شده همواره در هر دوره‌ای نه تنها مسیحیانی کسه از قرنها در ایران زندگی می‌کرده‌اند آزادی کامل داشته‌اند بلکه مبلغان عیسوی از هر فرقه و هر کشوری کاملاً از پشتیبانی دولت برخوردار شده‌اند. درین دوره مبلغان پرستان نیز بایران آمده‌اند و در شهرهای مختلف ایران دوش بدوش کاتولیکها که در زمان صفویه آمده‌اند مراکز مذهبی دایر کرده‌اند و حتی آموزشگاههای متعدد برای پسران و دختران در نواحی مختلف ایران تاسیس کرده‌اند و عدۀ کثیر از تحصیل کردگان امروز ایران در دنسل گذشته از زن و مرد کسانی هستند که درین مدارس علوم جدید و زبانهای اروپایی را فرا گرفته‌اند.

رویه گرفته می‌توان گفت تاریخ مسیحیت در ایران نه تنها یکی از فصول برجسته تاریخ ایران از آغاز دوره ساسانی تا امروز است بلکه جالب‌ترین فصل تاریخ مسیحیت را در خاورمیانه و کشورهای اسلامی فراهم می‌کند.